



«بله تمکین می کنند، می ترسند و تمکین می کنند.

الهی‌راد: تمکین می کنند دیگر! شما اسلام را دارید پیاده می کنید. وظیفه شماست که اسلام را پیاده کنید.

زیدآبادی: ایشان اساساً چیزی به عنوان مخالفت را از جانب یک مسلمان چه نسبت به حاکمیت اسلامی و چه نسبت به قوانین اسلامی به رسمیت نمی شناسند که اصلاً خواهد تبدیل به نظر اکثریت بشود. مسلمان که اختیار خود را دست یک آدم خاص نمی دهد. ده‌ها قرات از اسلام داریم. این مقبولیت را که ایشان می گویند معلوم است که تا مردمی نباشند اساساً نمی شود هیچ کاری کرد. خب طبیعی است که اگر مقبولیت ابتدا به ساکن نباشد، اصلاً هیچ چیزی شکل نمی گیرد. این هنر نیست که یک نفر بیاید به این اعتراف کند. من بگویم در صورتی اینجا آب خواهد بود که یک رودخانه جریان پیدا کند. اساساً این ربطی به اختیار اراده و انتخاب مردم ندارد. چیزی که راجع به قوانین می‌گویند بحث بر این است که نگاه آقای مصباح به احکام شرعی یک نگاه ایستا و منجمد است. یعنی ایشان دو چیز را نفی می کنند. یک وجدان انسانی در طول تاریخ دچار تحول می‌شود و یکی فهم فهم و درک و اندیشه ما است. دومثال می‌زنم. در قبل از مشروطیت، بر چه اساسی می‌گفتند که یک زن به احکام اسلام توجه می‌کند؟ زنی بود که روینده می‌پوشید، از خانه بیرون نمی‌آمد، حق رای و حرف زدن نداشت و هر وقت همسر او اراده می‌کرد، او را طلاق می‌داد. این ۱۵۰ سال پیش موضوع عادی بوده است اما چرا الان این را جامعه نمی‌پذیرد و فقها مجبور شدند نظرات خود را عوض کنند؟ خود آقای (امام) خمینی سال ۴۲ گفتند نمی‌شود زنان رای دهند و بعد گفتند بیایند رای دهند و در خیابان تظاهرات کنند. چیزی که در طی ده سال عوض شد را ایشان اصرار دارد که ۱۴۰۰ سال باقی بماند. شما به قرآن نگاه کنید. در قرآن جایی هست که وقتی فتوحاتی انجام دهید، بتوانید برده‌ای بگیرید این را غیرمجاز کرده است. من به عنوان اینکه این آیات هست آیا حق دارم کسی را بخرم و بفروشم؟ چطور اینجا یک تغییری صورت گرفته و وجدان بشر امروز نمی‌پذیرد چیزی را که ۱۴۰۰ سال پیش امری عادی بوده است. اگر به صورت جزئی و ایستا و متحجرانه به متن نگاه کنید، همه ما که می‌گوییم نمی‌خواهیم برده داشته باشیم به یک معنا مرتد شویم. ایشان کار را سخت کرده است. گفته این احکام ضروری اسلام است و هر کسی آن‌ها را نفی کند، مرتد است و باید او را کشت، **«شما مسلمانید و این مردم مسلمان‌کی که اینجا زندگی می‌کنند و علمای آنها، همه اجماعی گفته‌اند شرب خمر حرام است. اینجا حق دارند در مجلس جمع شوند و بگویند مشروب حرام نیست؟**

زیدآبادی: چون ما حاکمیت را از مردم می‌دانیم، اینجا حق دارند این کار را کنند اما آن حکم دیگر حکم شرعی نیست، حکم شرع سر جای خودش است و این حکمی است که یک سلسله مردم مسلمان‌کی که ممکن است خودشان را اسکولار تعریف کنند و یا ممکن است به دین مدنی اعتقاد داشته باشند، انجام دهند.

الهی‌راد: فرمودید که آقای مصباح فقه‌المصلحت را قبول ندارد. من از منابع آقای مصباح مفصل بحث زمان و مکان را می‌آورم. یک وقت یک چیزهایی است که مشمول زمان و مکان می‌شود، یعنی شرایط تحقق حکم خدا نیست اما الان هست، من از شما می‌پرسم آیا الان همه احکام توسط جمهوری اسلامی پیاده می‌شود؟ دو مقام را باید تفکیک کرد. وضع قانون یک حرف است، اجرای قانون چیز دیگری است. یک وقتی است قانون خدا را فهمیدید اما قابلیت اجرا ندارد. آقای مصباح هر چیزی در دل‌شان بود در تشکیلات خودشان، توانست اجرا کند؟ آیا الان هیچ‌کس معتقد است همه احکام اسلام دارد پیاده می‌شود؟ یا صراحت بفرمایید آیا در مقابل خدای متعال حق داریم مخالفت کنیم؟ اینکه گفتید فقط دستگاه اخلاقی ثابت است حرف درستی نیست، فقیه به ما می‌گوید چه چیزی ثابت است.

«آقای زیدآبادی در ۵ دقیقه جمع بندی داشته باشید.

زیدآبادی: آقای مصباح وقتی بحث زمان و مکان را مطرح می‌کند، آنچنان به مسائل جزئی تقلیل می‌دهد که تقریباً مثل بحث راهنمایی و رانندگی است و می‌گوید تدوین قوانین حکومتی و تطبیق آنها با مقتضیات زمانه، بر عهده ولی فقیه است. این با زمان و مکانی که آقای (امام) خمینی می‌گوید فرق دارد. اما آقای مصباح می‌گوید خداوند این را گفته و نباید مقابل آن ادعا داشت، ما یک چیزی به اسم ایران داریم، شما وقتی موضوعی مثل مرز ملی در دستگاه‌تان وجود نداشته باشد، این موضوع چه جایی دارد؟ ایشان می‌گوید شما وقتی مسلمان شدید کار تمام است. احکامی غیر قابل تغییر هستند و اگر آنها را ترک کنید، مرتد هستید. در حالی که اگر آنها را اجرا کنیم نصف ایرانی‌ها مرتد هستند. ما می‌گوییم راه تطبیق احکام با شرایط روز فراهم بوده اما ایشان آمده همه چیز را به نقطه اول برگردانده است.

الهی‌راد: من یک جمله از شهید مطهری می‌خوانم که مدیون ایشان نشویم. ایشان در مجموعه آثار جلد ۲۴ می‌گوید دموکراسی در اسلام یعنی انسانیت رهاشده و در غرب یعنی حیوانیت رهاشده؛ بنابراین آزادی و دموکراسی در قاموس اسلام جنبه انسانی دارد و در غرب جنبه حیوانی، به حضرت امام هم نسبت‌هایی دادید. امام به شورای نگهبان هم می‌گوید زمان و مکان را در نظر داشته باشید اما مرجع تشخیص را شورای نگهبان می‌داند چون آنها متخصص هستند. ایشان می‌فرمایند: «شما باید ناظر بر قوانین مجلس باشید، و باید بدانید که به‌هیچ‌وجه ملاحظه نکنید. باید قوانین را بررسی نمایید که صدرصد اسلامی باشد. به‌هیچ‌وجه گوش به حرف عده‌ای که می‌خواهند یک‌دسته کوچک مردم ما خوش‌شان بیاید و به اصطلاح مترقی هستند [ندید] فاطعاته با اینگونه افکار مبارزه کنید. خدا را در نظر بگیرید. اصولاً آنچه که باید در نظر گرفته شود خداست، نه مردم. اگر صد میلیون آدم، اگر تمام مردم دنیا یک طرف بودند و شما دیدید که همه آنها حرفی می‌زنند که بر خلاف حکم قرآن است، بایستید و حرف خدا را بزنید، ولو اینکه تمام بر شما بشنوند. انبیا هم همین طور عمل می‌کردند.» امام حقیقتاً جمهوری اسلامی را قبول دارد، مرحوم مصباح می‌گوید جمهوری اسلامی حکم خداست.

الهی‌راد: آن را توضیح می‌دهم. آقای مصباح نه تنها در زمان غیبت معتقد هستند، در زمان حضور معصوم نیز نظر ایشان همین است. ایشان در کتاب نظری گذرا به ولایت‌فقیه می‌فرمایند: «بیعت‌هایی که انمه معصومین ما پاره‌ای از مردم داشتند، نیز به قصد مشروع ساختن حکومت‌هایشان نبود بلکه برای فعلیت بخشیدن و جامه عمل پوشاندن به حکومت‌هایشان بود. واضح است بر آن کسی که بتواند بر جامعه مسلمین حکومت کند، باید صاحب دو ویژگی باشد: مشروعیت و مقبولیت. مشروعیت حکومت حاکم حق به حاکمیت می‌دهد و مقبولیت آن به وی قدرت حاکمیت می‌بخشد. کسی که حکومت‌اش مشروع نیست، حق ندارد بر مردم فرمان براند. اگر چه مقبول عالم باشد و کسی که حکومت‌اش مقبول مردم نیست، قدرت ندارد که بر آنان حکم براند، هر چند حکومت‌اش شرعاً مجاز باشد. به عبارت دیگر مشروع بودن حکومت یک شخص، وی را بالقوه حاکم می‌کند و برای اینکه این امر از قوه بالفعل درآید و شخص بالفعل نیز حاکم شود، نیاز به مقبولیت و پذیرش مردمی است. جانشینان راستین رسول الله مشروعیت حکومت‌شان را از خدای متعال دارند و اگر از مردم بیعت می‌گیرند، برای آن است که مقبولیت حکومت‌شان احراز شود. اگر مقبولیت حکومت محرز گردد، حجت بر ولی فقیه هم تمام می‌شود. برخی می‌گویند حکومت یا لیبرالیسم توسط آراء مردم مشروعیت پیدا می‌کند و یا فاشیستی است و در آن مردم هیچ دخالتی ندارند. اما شکل سومی از حکومت را می‌شناسیم که در آن مشروعیت با آرای مردم به دست نمی‌آید، بلکه مشروعیت آن با حکم الهی است. در همان حال هیچ گونه تحمیلی هم بر مردم وجود ندارد زیرا توسل به زور برای دستیابی به حکومت مورد نظر ما روانیست. اما نسبت به تحقق و استقرار حکومت و حاکمیت، ولایت‌فقیه در زمان غیبت امام معصوم باید بگوییم که این مسئله تماماً به پذیرش جامعه و مقبولیت مردمی بستگی دارد. یعنی مردم و مسلمانان هستند که باید زمینه تحقق و استقرار این حاکمیت را فراهم کنند و تا مردم نخواهند، نظام اسلامی محقق نخواهد شد.» من یک خاطره خدمت‌تان بگویم؛ خدمت آیت‌الله مصباح بودیم، من از ایشان پرسیدم اگر عموم مردم حکومت اسلامی را نخواهند چه می‌شود؟ ایشان با صراحت فرمودند که «موضوع حکومت اسلامی منتفی می‌شود. یعنی چی؟ موضوع حکومت اسلامی، مردم مسلمانی هستند که با اختیار خودشان خواهان حکومت اسلامی شدند. حالا اگر مردم نخواهند. خب دیگر مرمی و وجود ندارند و آن مردمی که هستند، خواهان حکومت اسلامی نیستند.»

«حاج آقا برای اینکه موضوع روشن شود، فرض کنید که یک حاکم مشروع هست و ۳۰ درصد مردم را همراه دارد. ۷۰ درصد مردم هم مخالف حکومت معصوم هستند، ولی معصوم می‌تواند با این ۳۰ درصد اعمال زور یا اعمال قوه‌ای روی این ۷۰ درصد بیاورد که حکومت‌اش را تشکیل دهد و اقامه احکام خدا را انجام دهد. آیا جایز است این کار را بکند؟

الهی‌راد: اساساً به درصد نیست. ممکن است یک حاکم مشروعی ۷۰ درصد حمایت جمعیت را داشته باشد اما نتواند حکومت اسلامی را محقق کند. یعنی نمی‌تواند اسلام را پیاده کند. فلسفه حکومت اسلامی اجرای قوانین اسلامی است. شما وقتی نتوانید با مردم حکومت اسلام را پیاده کنید، اصلاً فلسفه حکومت اسلامی زیر سوال می‌رود. یعنی با این ۳۰ درصد می‌خواهید نظر خود را به آن ۷۰ درصد تحمیل کنید؟ این در دستگاه آیت‌الله مصباح قابل پذیرش نیست. یک وقتی مرمی هستند که می‌گویند به حکومت اعتراض داریم. اما بنای براندازی نداریم، می‌خواهد ۷۰ درصد باشند. همین حالا گاهی مردم به دلیل شرایط اقتصادی از حکومت ناراحت هستند، آیا به این معنا است که می‌خواهند در مقابل حکومت اسلامی قرار بگیرند؟ نخیر! یک وقتی است که نه! مردم و آن ۷۰ درصدی که مدنظر شما است واقعاً حکومت اسلامی نمی‌خواهند و می‌گویند ما می‌خواهیم طاغوتی باشیم. اصلاً کمونیست‌ها و مارکسیست‌ها بیاند بال‌ی سر حکومت! خب شما فرض کنید ۴۰ درصد هم داشته باشید. من حتی چیز بالاتری می‌گویم، ممکن است یک وقتی ۵۰ درصد هم داشته باشید اما نتوانید اسلام را پیاده کنید. اصلاً معنی ندارد. فلسفه حکومت اسلامی این نبود که یک عده به قدرت برسند. بنا بود که عدالت محقق شود و اسلام پیاده شود. خب اگر مردم در این حدی که شما می‌فرمایید ۷۰ درصد واقعاً خواهان اسلام نباشند، اصلاً امکان چنین چیزی به نظر شما وجود دارد؟ قانونی وضع می‌کنید که مردم نمی‌خواهند اجرا کنند. مثلاً شما دزد می‌گیرید و می‌خواهید دستش را قطع کنید. مردم بگویند آقا شما دست دزد را قطع نکنید. شما برانداز را می‌آورید، شارب خمر را می‌آورید. هرکسی که در کشور کاری انجام می‌دهد را می‌خواهید محاکمه کنید و مردم می‌گویند محاکمه نکنید. خب این شده شیر بی‌بال و دم! اگر بتوانیم این کار را بکنیم یعنی با اینکه یک عده مخالف هستند شما اسلام را پیاده کنید و مردم را می‌توانید همراه کنید. ملاک این است که شما بتوانید از این فرصت استفاده کنید و اسلام را پیاده کنید. اگر نمی‌توانید اسلام را پیاده کنید اصلاً موضوع حکومت اسلامی منتفی می‌شود. شما می‌گویید ۳۰ درصد موافق هستند، من می‌گویم چه بسا ۶۰ درصد هم موافق باشند اما شما نمی‌توانید اسلام را پیاده کنید، خُب برای چه کسی این حکومت را شما نگه داشتید؟ اما «اگر بشود» را باید تعریف کنیم. این «بشود» را باید معنی کنیم که یعنی می‌خواهید مردم را به رگبار ببندید؟ یا در مقابل مردم بایستید؟

«مردم مخالف هستند اما به دلایلی مخالفت خود را بروز نمی‌دهند
الهی‌راد: باید بروز بدهند که مشخص شود. اگر بروز ندهند از کجا بفهمیم که اقتدر مخالف هستند؟
«لا خلاف ضرر کنید که فهمیدیم، بروز زبانی می‌دهند.
الهی‌راد: یعنی اجازه می‌دهند که شما قانون را پیاده کنید. خب قانون دارد پیاده می‌شود و مردم هم می‌خواهند که قانون پیاده شود. این مثل این است که شما بگویید یک عده در کشور قانونی را قبول ندارند، تمکین می‌کنند یا نه؟



احمد زیدآبادی:
ایشان درباره سخنان امام در همین کتاب گفته است که امام وقتی می‌گوید: «میزان رای ملت است» از باب مقبولات و در مقابله با دیگران است وگرنه مردم حقی در این زمینه ندارند. چرا که حقوق شهروندی و حقوق بشر هم می‌گوید که «آنچه در غرب مطرح شده با روح اسلام و قانون اساسی و حرکت امام مخالف است. چنانچه اسلام هرگز یهودی و مسلمان را برابر نمی‌داند اگر چه حقوقی برای آن در نظر می‌گیرد اما به معنای تساوی نیست. گاه عده‌ای نام شهروند در چه ۲ می‌گذارند هر چه می‌خواهند بگویند اما اینجا چیزی را تغییر نمی‌دهد.» یعنی همان تبعیض‌هایی که شیخ فضل‌الله بین عبد و حر، زن و مرد، مسلمان و غیرمسلمان قائل بود با غلظت خاصی بر آن تأکید دارد و هیچ‌وقت موافق برابری آن نبوده است. آزادی بیان و دین هم میوه فرهنگ غرب است که «ظاهر زیبا و فریبنده دارد و باطنش زهرآگین است.» تکیه اصلی آن درباره اسلام هم معتقد است که این جزئیاتی که شما یکی یکی مطرح کردید حکومت اسلامی باید به همان شکل که در ۱۴۰۰ سال مطرح بود، اجرا شود. بحث همین جاست، بله، آقای (امام) خمینی در ابتدا همین حرف را زده و من در نمی‌کنم، من خط امامی و مدافع ایشان به آن معنا نیستم اما در مقایسه، ایشان در تصور اندیشه‌شان تغییری داشته‌اند؛ آن هم از آنجا که گبرهای شرعی در کار اجرا پیش آمد. یعنی فقها و شورای نگهبان مشکلاتی در کار ایجاد کردند.

یعنی قانون کار و از این دست قوانین.

زیدآبادی: بله، مشکلات این گونه شد، که ایشان گفتند اگر دو سوم نمایندگان رای بدهند، تأیید شورای نگهبان نیاز نیست. یعنی در اینجا به افرادی که از لحاظ شرعی موقعیتی ندارند اما مردم آنها را انتخاب کردند، به رای عمل کنند.

الهی‌راد: کجا امام گفتند؟

«قانون دوسوم را منظور است.

زیدآبادی: بعد هم که شورای مصلحت [جمع تشخیص مصلحت] را مدنظر قرار دادند. یعنی ایشان مصلحت را اصالت می‌دهد و شرع را در سایه آن تفسیر می‌کند. یعنی اگر مصلحت ایجاب کند آن موارد جزایی مطرح کردید که جای خود دارد حتی نماز، روزه، حج و همه چیز را تعطیل کرد. این دیدگاه با دیدگاه سختگیرانه آقای مصباح که اصرار بر ثابت بودن احکام و اجرای آن دارد، متفاوت است. یعنی همه حدود دقیق باید رعایت شود. نگفتم که ایشان فتوا به قتل ۹۰ درصد مردم می‌دهد بلکه نظر ایشان را اگر بخواهیم اجرا کنیم، این منجر به این جور نتیجه می‌شود. این تفسیر که چون من مسلمانم شما یا هر کسی یا هر فقهی‌هی هر تفسیری از اسلام کند، من باید تسلیم باشم، این نظر مورد نقد من است.

«به صورت خاص روی اختیار مردم در حوزه تقنین، در حوزه حکومت اسلامی اختلافی هست که مردم در حوزه تقنین اختیاری دارند یا خیر. به خوبی و بدی آن کاری نداریم و ممکن است شما بگویید بله ندارند و من از این نظریه دفاع می‌کنم که مردم چون مسلمان هستند آنجا اختیار خود را واگذار کردند. اصلاً اسلام مساوی با این است که شما در احکام شرعی تسلیم باشید و اصلاً حق تقنین به این معنا که در غرب هست مبنی بر اینکه جعل حق تکلیف کنند، وجود ندارند. این درست است؟

الهی‌راد: آن سوالی که حقیر پرسیدم را جواب نفرمودید. سوال اصلی و مبنایی این بود که اگر خدای متعال یک حکمی صادر کند، مردم مسلمان‌کی که ایمان دارند، این حکم را قبول ندارند. آیا این با اسلام و مسلمان بودن آن‌ها تعارض دارد یا خیر؟ سوال اصلی این است، مالکیت هم در فرمایشات امام رضوانه‌الله است و در فرمایشات آیت‌الله مصباح این است که مالکیت دو عالم با خدای متعال است. ما ملک خدای متعال هستیم. آیا ما اساساً شأثبت داریم در مقابل اراده خدا چیز دیگری بگوییم؟ اینکه می‌شود آن چیزی که در قضیه ابلیس و سجده بر انسان در قرآن اتفاق افتاد، دقیقاً چه بود؟ ببینید یکی دستور خدا را انجام نمی‌دهد، تنبلی می‌کند یا هوای نفس او است و گناه کرده است. توبه کند و انشالله خدا ببخشد. ان‌الله یغفر ذنوب جمیع... در همین قرآن کریم آمده است. اما یکی می‌گوید نه! من دستور تو خدا را قبول ندارم. خدا فرمود نه! تو از کفار هستی و تا باید در جهنم هستی. این حرفی است که خدا به ابلیس گفت. مسئله‌ای که بنده مطرح کردم این است که ما ملک خدای متعال هستیم. مردمی که مسلمان هستند، این مردم اسلام را قبول کردند، یعنی چه؟ یعنی حق تقنین را از خود گرفتند.

«در اینکه اختلافی نیست حاج‌آقا.

الهی‌راد: چرا اتفاقاً اختلاف است. اختلاف همین است. ایشان می‌فرمایند که جناب آقای مصباح می‌گوید اگر خدا یک چیزی گفت، مردم دیگر حق قانون‌گذاری ندارند. خوب شما می‌گویید دارند؟ شما باید الان این را جواب دهید.

الهی‌راد: مسئله این است که موضوع حکومت اسلامی، مردم مسلمان هستند. کاش این رافرموش نکنیم، ببینید مردم اگر اسلام را نخواهند، معنی ندارد که حاکم بخواهد اسلام را بر آن‌ها تحمیل کند

زیدآبادی: مگر می‌شود اصلاً؟

الهی‌راد: نمی‌شود دیگر.

زیدآبادی: چیزی که نشدنی است که دیگر بحثی ندارد.

الهی‌راد: آقای مصباح، امام، مقام معظم رهبری در این موضوع با صراحت این حرف‌ها را می‌زنند.

«آقای الهی فقط یک سوال در اینجا ببرسم. مردم اینجا یعنی چی؟ یعنی ۵۰ بعلاوه‌یک؟

سیاستمداران



اجبار به حجاب درست نیست

سیدابوالفضل موسویان، عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم در گفت‌وگو با جماران درباره شلاق زدن گفت: «پوششی که از نظر اعتقادی برای زنان داریم «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلٰی جُيُوبِهِنَّ» است. یعنی زن باید پوشش شرعی را داشته باشد و این دستور خداوند است، اما من اعتقاد ندارم که حکومت زنان را بر پوشش اجبار کند و دلالتی بر رد آن دارم. بنابراین اجبار به حجاب درست نیست و نمی‌شود عنوان شرعی به آن داد.» وی افزود: «نکته بعد ضرورت تناسب بین جرم و مجازات است. متأسفانه چون برخی از مجازات‌ها را جامعه نمی‌پذیرد و قبول نمی‌کند، اثر معکوس دارد. چه‌بسا بسیاری از افرادی که معتقدند دولت می‌تواند به پوشش اجبار کند، محجه و متدین هستند، اما شلاق زدن را محکوم می‌کنند.» موسویان تأکید کرد: «به عبارت دیگر صحیح نمی‌دانند که با زنان و دختران مسلمان، این گونه برخورد شود و بین مجازات و جرم تناسبی نمی‌بینند. بنابراین ما نباید برداشت خشن و تندّی از دین و مذهب ارائه دهیم تا بین مردم نسبت به مذهب، بر خورد یا ذهنیت منفی ایجاد شود.»



سرلیست جهادگران در انتخابات خبرگان

وهاب عزیزی، دبیرکل جهادگران ایران اسلامی روز گذشته در نشست خبری ضمن تشریح برنامه‌های انتخاباتی این حزب با بیان اینکه دو لیست انتخاباتی ارائه خواهند کرد، گفت: «از آیت‌الله علیرضا اعرافی دعوت کردیم تا در انتخابات مجلس خبرگان ثبت‌نام کنند، در تهران با سرلیستی او در مجلس خبرگان حضور خواهیم داشت و درباره انتخابات مجلس، بعد از اعلام نهایی نتایج صلاحیت‌ها توسط شورای نگهبان به جمع‌بندی می‌رسیم.» دبیرکل جهادگران ایران اسلامی تصریح کرد: «انتخابات مجلس خبرگان رهبری اهمیت بیشتری نسبت به مجلس شورای اسلامی دارد، از این رو با جمع‌بندی اتفاقات اخیر و اتفاقاتی که ممکن است رخ دهد می‌خواهیم مجلس خبرگان را رقابتی‌تر کنیم و در تهران برای خبرگان، لیست خواهیم داشت. در شهرستان‌ها هم از نامزدهای ارزشی و ولایتمدار حمایت خواهیم کرد و دو لیست موازی می‌دهیم.»



از مشارکت پایین خوشحال نخواهیم شد

شهاب‌الدین طباطبایی، دبیرکل حزب ندای ایرانیان در مناظره‌ای درباره نرخ مشارکت و رقابت‌ها و احراز صلاحیت‌های انتخابات دوازدهمین دوره مجلس گفت: «بیانات رهبری انقلاب درباره اینکه مشارکت ضعیف، مجلس ضعیف را سبب می‌شود هرکدام از این جملات رهبری بار معنایی دارد. در این شرایط باید رو به جلو و آینده حرکت کنیم. اگر نرخ مشارکت انتخابات یازدهم اسفند امسال پایین باشد، خوشحال نخواهیم شد.» طباطبایی در ادامه گفت: «دست همه افرادی که برای دفاع از کشور با رشادت ۸ سال در برابر دشمن ایستادند، می‌بوسم و همیشه قدرتان آنهایی هستم که ایثار و از خودگذشتگی آنها سبب حفظ نظام شده است. البته ما در برخی موارد اختلاف‌نظر داریم ولی برای مسائلی که چشم طمع دشمن به کشور باشد، متحد هستیم.»